

## یک کشته در تصلا ف زنجیره‌ای ۳۰خودرو



**گروه حوادث/** برخورد زنجیره‌ای ۳۰ خودرو در اتوبان کرج – قزوین منجر به مرگ یک پسر ۱۹ ساله و مصدوم شدن ۲۲ نفر شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت چهار و نیم صبح چهارشنبه – دیروز– حدود ۳۰ خودرو در آزاد راه کرج – قزوین محدوده جایگاه سوخت المهدی با یکدیگر برخورد کردند که این حادثه منجره خسارت سنگین به خودروها و مجروح شدن سرنشینان آنها شد.

سرهنگ سید رضا گودرزی، رئیس پلیس راه استان البرز در تشریح این خبر به «ایران» گفت: با اعلام این سانحه شدید بلافاصله در محل حاضر شدیم و مشخص شد ۳۰ دستگاه خودرو شامل ۲۵ دستگاه خودرو سواری، ۴ دستگاه کامیون و یک دستگاه وانت با یکدیگر برخورد کرده اند.

وی در حالی که رعایت نکردن سرعت مطمئنه و لغزندگی جاده را عامل اصلی تصادف زنجیره‌ای دانست، گفت: بارندگی باعث لغزنده شدن جاده شده بود از طرفی عدم رعایت سرعت مطمئنه همچنین عدم رعایت فاصله طولی باعث شد رانندگان نتوانند مهارت لازم را در کنترل خودروهایشان داشته باشند،همین امر در نهایت منجر به تصادف زنجیره‌ای شد، البته همه این ۳۰ خودرو پشت سرهم به هم برخورد نکرده بودند، بلکه در فواصل مختلف و هر ۴ یا ۵ خودرو با یکدیگر برخورد کرده بودند.

گشت‌های پلیس راه به دنبال وقوع این حادثه خیلی سریع در محل حضور یافتند ونسبت به رفع مشکل وانتقال خودروها وروانسازی ترافیک سنگینی که ایجاد شده بود اقدام کردند، در محل حادثه ۲۳ مجروح وجود داشت که یکی از آنها بعد از انتقال به بیمارستان جان باخت.

گودرزی از رانندگان خواست در شرایط بارندگی و لغزندگی جاده‌ها حتماً با رعایت اصول رانندگی امنیت سفر خود را حفظ کنند.

مهرداد بابایی، رئیس مرکز اورژانس و فوریت‌های پزشکی البرز نیز گفت: به محض وقوع این حادثه چند دستگاه اتوبوس آمبولانس و یک فروند بالگرد اورژانس استان البرز به محل اعزام شد. مصدومان شامل ۱۱ خادم و ۱۲ آقا بودند که چهار نفر از مصدومان در محل حادثه توسط تکنیسین‌های اورژانس درمان سرپایی شدند. همچنین ۱۱ مصدوم به بیمارستان شهید مدنی کرج، ۷ مصدوم به بیمارستان امام جعفر صادق (ع) شهرستان ساوجبلاغ و یک مصدوم توسط بالگرد به بیمارستان تأمین اجتماعی البرز منتقل شد.

در این حادثه یک پسر حدود ۱۹ ساله به علت شدت جراحات وارده در بیمارستان جان باخت.

**گروه حوادث/** کادر درمان بیمارستان هنگام بررسی

جسد دختر ۱۷ساله‌ای که قرار بود اهدای عضو شود با مشاهده آثار کبودی روی گردنش موضوع را به بازپرس جنایی تهران اطلاع دادند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، شامگاه سه‌شنبه ۴ آبان، مسئولان بخش اهدای عضو بیمارستان مسیح دانشوری در تماس با بازپرس محمد تقی شعبانی اعلام کردند یکدرد ۱۷ ساله‌ای را که دچار مرگ مغزی شده، برای اهدای عضو از بیمارستان الغدیر به این بیمارستان منتقل کرده‌اند اما آثار کبودی روی گردنش دیده می‌شود و همین موضوع مرگ وی را مشکوک کرده است.

### آتش در قطار یزد



**گروه حوادث/** آتش گرفتن قطار مسافری یزد– تهران

بدون تلفات جانی و مصدومیت جدی مهار شد.به گزارش خبرنگار مهر، قطار یزد – تهران اما یکی از مسافران آسیب جزیی دیده است. از سوی دیگر روابط عمومی راه آهن جمهوری اسلامی ایران،اعلام کرد قطار ترن ست یزد– تهران که به علت نقص فنی متوقف شده بود، با اعزام قطار جایگزین و انتقال مسافرین، به مسیر خود ادامه داد. قطار ترن ست یزد– تهران، به دلیل نقص فنی و اتصال کابل برق در ایستگاه نائین دچار آتش سوزی شد که با تلاش کارکنان، عملیات اطفای حریق به سرعت انجام شد.

## ردپای سارق کامیون در کارت سوخت

**گروه حوادث/** کارگر پمپ بنزین که با کارت سوخت مسروقه‌یک راننده کامیون دستگیر شده، به اتهام سرقت بازداشت شد.
به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چندی قبل مرد میانسانی با پلیس تماس گرفت و از سرقت کامیونش خبر داد. وی گفت: در میدان میوه و تره بار بعد از اینکه بار کامیون را خالی کردم، مرد جوانی به سراغم آمد و از من خواست اسباب و اثاثیه خانه‌اش را از کرج به شهر قوچان منتقل کنم. با هم سر کرایه توافق کردیم و من راهی کرج شدم تا وسایل را بار بار بزنم.

به بهانه خرید آب از من خواست در

تلفن همراه مقتول متوجه شد که او با یک شماره تلفن در ساعاتی خاص از روز تماس داشته است. به این ترتیب صاحب خط تلفن شناسایی و بازداشت شد. او که مردی جوان به نام کیوان بود در بازجویی‌های اولیه به قتل اعتراف کرد و گفت: من با مقتول در یکی از خیابان‌های شرق تهران آشنا شدم. او به من گفت از شوهرش طلاق گرفته و فرزندی هم ندارد. من کم کم به او علاقه مند شدم به حدی که می‌خواستم با او ازدواج کنم.

وی در مورد روز حادثه گفت: آخرین بار با او قرار گذاشتم وقتی به محل قرار آمد، سوار موتور شده و با هم برای تفریح به قزوین رفتم. در آنجا به خانه یکی از دوستان من رفیقتم که تریاک می‌کشیدیم و مشروب می‌خوردیم که به من گفت زود برگردیم تهران گفتیم چرا برگردیم؟ گفت من شوهر دارم اگر به خانه برگردم، برایم بد می‌شود.

جنایی قرار داد. وی گفت: داخل خودروام کارت بانکی من و همسرم نیز بود. بعد از سرقت کامیونم، سارق با همسرم تماس گرفته و خودش را با مأمور پلیس معرفی کرده. او به همسرم گفته از اداره آگاهی تماس می‌گیرد و رمز کارت‌های عابر بانک همسرم و مرا پرسیده بود همسرم که تصور کرده تماس واقعی بوده و از سوی پلیس گرفته شده، رمز عابر بانک‌ها را به او می‌دهد اما چند دقیقه بعد پول‌های داخل کارت ما خالی شد.

او ادامه داد: دیروز یکی از همکارانم تماس گرفت و گفت خودروام را در جاده دیده است. بلافاصله با پلیس تماس گرفته و راهی محلی که دستم گفته بود، شدم و خودروام را در حالی که تمام وسایل آن به سرقت رفته بود، پیدا کردم.

■ **نخستین سرخ**

از آنجایی که کارت سوخت مرد مسیاسال نیز به سرقت رفته بود، شماره آن به تمامی پمپ بنزین‌های کشور اعلام شد بدین ترتیب با استعلام از

■ پنجشنبه ۶ آبان ۱۴۰۰

■ سال بیست و هفتم

■ شماره ۷۷۵۸

## جنایت به خاطر دروغ

با شنیدن این حرف خیلی عصبانی شدم چون من هرگز نمی‌خواستم با یک زن متاهل ارتباط پنهانی داشته باشم. با عصبانیت گفتم برای چه به من دروغ گفتی؟ وقتی ناراحتی مرا دید گفت: به تو ربطی ندارد و این مشکل من است. سر این موضوع با هم جرو بحث کردیم و من که کنترل خودم را نداشتم، با چاقو ضرباتی به او زدم. وقتی متوجه مرگش شدم، جسد را با ماشین دوستم به بیابان‌های اطراف قزوین بردم و خودم به تهران برگشتم.

بعد از اعترافات متهم پرونده با اتهام قتل عمد به دادسرا فرستاده شد و شوهر مقتول ضمن شکایت از متهم خواهان مجازات وی شد.

با پایان تحقیقات در دادسرا و بازسازی صحنه قتل، کیفرخواست علیه متهم صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد.

جایگاه‌ها، کارآگاهان دریافتند فردی از این کارت استفاده کرده است. کارآگاهان اداره آگاهی بلافاصله به سراغ وی که راننده کامیون بود، رفتند اما او مدعی شد که کارت سوخت را ۴۰۰ هزار تومان از کارگر پمپ بنزین خریداری کرده است. با اطلاعاتی که راننده کامیون در اختیار کارآگاهان قرار داد، مأموران بلافاصله وارد عمل شده و کارگر پمپ بنزین را بازداشت کردند.

مرد جوان در تحقیقات گفت: مدتی قبل مرد جوانی از من ۲۰۰ هزار تومان پول قرض گرفت. بعد هم کارت سوختی در اختیارم قرار داد و گفت این کارت دست تو باشد تا پول را برگردانم. اما دیگر از او خبری نشد و من هم گارونیل داخل کارت را که حدود ۹۰۰ لیتر بود، فروختم.

بدین ترتیب بازپرس شعبه هشتم دادسرای امور جنایی پایتخت، دستور مواجهه حضوری مالباخته با کارگر پمپ بنزین و تحقیقات در رابطه با اظهارات او را صادر کرد.

در حالی که اعضای بدن ۱۷ ساله روز گذشته اهدا شد، تحقیقات برای بازگشایی از علت اصلی مرگ از سوی بازپرس جنایی ادامه دارد.

### انفجار مرگبار در سفره خانه



**گروه حوادث/** آتش سوزی در سفره‌خانه سنتی شهرستان دورود یک کشته و دو مصدوم برج گذاشت.

به گزارش خبرگزاری صداوسیما مرکز لرستان، آیت جمالی فولادوند سرپرست سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری دورود در این باره گفت: بر اثر آتش سوزی و انفجار سفره‌خانه سنتی دورود واقع در ۵ کیلومتر ۵ جاده درب آستانه ( چشمه صلوات) یک نفر در دم جان باخت و ۲ نفر هم مجروح شدند.

در بازجویی‌ها متهمان به ۲۵ فقره زورگیری از شهروندان با استفاده از موتورسیکلت‌های سرقتی اعتراف کردند.

سرهنگ دستخال افروزد، ۲ مهتم سارق سابقه‌دار بوده و چندین مرتبه تحمل کیفر داشته‌اند. تحقیقات پلیسی برای شناسایی مالباختگان و کشف سایر جرایم احتمالی کماکان ادامه دارد.

## ۱۳ | حوادث

فرودگاه قلعه مرغی – ۱۸

#### راز کفتر نامه رسان

**محمد بلوری/** خلاصه‌ای از گذشته: در حاشیه فرودگاه قلعه‌مرغی، اولین فرودگاه تهران در جنوب شهر یک هواپیمای نظامی در بر خورد با کیوتران سقوط کرد، دادگاه‌های نظامی محاکمه کیوتربازها را آغاز کردند و استوار نایب با دسته‌ای از ژاندارم‌های پاسگاه ژاندارمری، دستگیری کیوتربازها وتفتیش خانه‌ها را آغاز کردند.
\* \* \*

عطر شیرین لاله‌عباسی‌های نوی باغچه جلوی قهوه‌خانه در خنکای هوا پخش می‌شد و نسیمی که از سوی دشت می‌وزید، این عطر دل‌انگیز را با خود می‌آورد. استوار نایب آهی کشید و بازوهایش را دور تنه درخت مراد دراز کرد. ضربان درد کهنه‌ای را در مهره‌های کمربش حس می‌کرد. کفه دستش را زیر شیر آب منبع سقاخانه گرفت و مشت آب به‌صورت برافروخته‌اش پاشید. صدای خنده‌هایی از دهنه بازآرچه بلند بود. دارو دسته کریم سگ‌کش دور خرمن آتش، روی چرخ‌های دستی طواف‌هایله داده بودند و عریده‌دشان پیاله‌ها را دست‌به‌دست دور می‌گرداندند و سر می‌کشیدند. گوشت‌های بریان شده را از روی خرمن آتش از سیخ‌ها درآورده و حریصانه به نیش می‌کشیدند. لاشه‌های کیوتربانی بودند که در بازرسی خانه‌ها سر می‌بردند، کباب این کیوتربا نصیب ولگردان محله می‌شد. یکی از نوچه‌های کریم سگ‌کش کنار کپه‌ای از لاشه کیوتران، لاشه‌ها را یک به یک به سیخ می‌کشید و کیوتران کباب شده را بین ولگردان تقسیم می‌کرد و خود گاه به گاه حریصانه به ران وسینه کیوتری چنگ می‌زد.

کریم سگ‌کش روی چرخ دستی به پهلولم داد. کیوتربریان شده‌ای در دست را بالای سرش گرداند و سرخوشانه عریده کشید:

– تماشا کنین این هم کفتر پاپری لوطی قاسم.

آنگاه رو کرد به ازدر خله و نعره زد.

ای ازدر خله بلبمون که هر شب کباب کمتر رو بره‌ای. ازدر از شوق، زوزه می‌کشید، آب دهانش را که از چانه‌اش کش آمده بود، با استین پاک کرد و گفت: – چه کفترهایی. کباب کفتر کله قرمزی، سازه گلی، طوقی... آخ جون!

– زنده باد گروه عقاب و جملگی نعره زنان همه با هم دم گرفتند: زنده باد گروه کفترکش!

آنگاه به تاریکی کوچ لوله زده و کلمات در دهانش ماسیده هراسان مشت‌هایش را پایین آورد و گفت: هی... بچه‌ها استوار نایب داره می‌یاد.

کریم سگ‌کش با اخم و غرور سرش را روی سینه چرخاند و گفت:

بذار بیاد خب، مگر کی باشه!

استوار نایب با قدم‌های شمرده از میان چرخ‌های طواف‌ها گذشت، کنار آتش رسید.

کریم سگ‌کش با لحن مستانه‌ای از گوشه چشم نگاهش کرد، داد زد:

– جمال خان نایب را عشقه! یفر ما کباب کفتر مهمون ما باش.

نایب لبخند تلخی زد. چشم‌هایش را با حالت تحقیر آمیزی تنگ کرد و گفت:

– من تا حالا لا شوخوئی نکردم. شما هم پاشین برین پی کارتون. بیکاره‌ها!

کریم سگ‌کش از لب چرخ طوافی پایین سر خورد، با حرکتی نامتعادل باهایش را بر زمین کشید. پس و پیش رفت تا با سینه‌ای فراخ، قرص و محکم سرپا بایستد. روبه‌روی استوار نایب ایستاد و قلدرانه پرسید: – حالا اگر نریم چکارمون می‌کنی؟ استوار نایب با چهره‌ای پر غضب، دلبرانه غرید:

– گردنوتو می‌شوکنم. حرام لقمه!

ازدر خله، هوکنی روی پنجه باهایش نیم خیز شد. پس‌پسکی به عقب رفت و به پشت به‌روی زمین غلغید. اما دیگران واهمه‌ای نکردند. کریم سگ‌کش، بازوهایش را از هم باز کرد و چشم‌های بی‌حاشی از حقه بیرون زد. استوار نایب با جلاکی به بازوی کریم چنگ انداخت و با ضربه زانو نوشتن را روی خرمن آتش خواند. کریم از دردی که نوبی تفتیش پیچیده، ناله‌ای کرد و با ضربه دیگر نایب به کنار خرمن آتش پرت شد. استوار نایب با خشم و نفرت نگاه غضبناکش را روی چهره‌های دار و دسته کریم گرداند و فریاد زد:– دیگه کدوم‌تون هوس قلدری تو سرش هست؟ همگی خاموش ماندند و پراکنده شدند. کریم سگ‌کش که روی زمین نشسته بود و بازوی در رفت‌اش را به دست می‌فشرد آه و ناله می‌کرد.

\*\*\*

در خانه استوار نایب، فرنگیس، دخترش، پای سفره صبحانه نشسته بود و دلش بی‌قراری می‌کرد. از فکر و خیال مهدی تا سحر خوابش نبرده بود. تکه نانی را میان انگشتانش ریزریز می‌کرد و از لای نرده‌های ایوان نوبی حیات می‌ریخت. برادر کوچکش رشید، فکر شیطنه آمیزی به سرش زده و گفت:

– کفتری که نداریم، برای چی نون می‌ریزی تو حیات؟

فرنگیس بغض کرد و بر سر برادرش تشر زد: به‌تو مربوط نیست، فصول نخواستیم! مادرشان سر به زیر انداخته بود و انگشتانش نوبی سینی مسی، بمیهود میان لوبیاهای چشم‌بلبلی پی ریگی می‌گشت و زیرچشمی نگاهش به فرنگیس بود. پرسید:– چرا تمبیری به خاله نرکس سری بزنی؟ زن بیچاره از غصه آقا مهدی، شب و روز ندازه.

فرنگیس منظور مادرش را فهمید و گونه‌هایش از شرم سرخ شد. مادرش لبخند دلجویانه‌ای به رویش زد و گفت:

– پاشو بر بسوی پشه بزن تا بیایات نیومده. پیرزن سراغ‌تو می‌گیره.

فرنگیس بلند شد و با اخم و ناز از نگاه برمعنی برادرش گذشت و برای او شکلف درآورد. به اتافش دودید تا چادر سر کند. دلش می‌خواست پر دیوارود و پرواز کند.

■ **ادامه روز پنجشنبه آینده**

### مرگ ۳ کارگر بر اثر استنشاق گاز نیتروژن

**گروه حوادث/** انتشار گاز نیتروژن در شرکت فولاد ناب آرش ابهر، جان ۳ کارگر را گرفت و ۴ نفر دیگر را مسموم کرد.

به گزارش خبرگزاری فارس از زنجان، عصر سه‌شنبه مرکز فوریت‌های پزشکی ابهر در تماسی تلفنی از وقوع حادثه‌ای در شرکت فولاد ناب آرش در یکی از شهرک‌های صنعتی ابهر مطلع شد و بلافاصله ۳ دستگاه آمبولانس فوریت‌های پزشکی قروه، ابهر و پایگاه اورژانس ریلی به محل حادثه اعزام شدند.

نخستین بررسی‌ها نشان داد ۳ کارگر شرکت بر اثر استنشاق گاز نیتروژن دچار حادثه شده‌اند که ۳ نفر از کارگران در محل حادثه فوت کردند.

شاهدان اظهار داشتند ،نخست یک نفر از کارگران دچار حادثه گاز گرفتگی شد اما ۴ نفر دیگر به کمک به وی شتافتند و آنها نیز دچار مسمومیت شدید گاز گرفتگی نیتروژن شده و در دم جان خود را از دست دادند.همچنین ۴ کارگر دیگر هم مسموم شدند که ۳ نفر آنها از بیمارستان مرخص و یک نفر در بیمارستان الغدیر ابهر تحت مراقبت‌ها درمانی است. علت دقیق حادثه و فوت کارگران توسط مراجع قانونی در دست بررسی است.

#### زورگیری با تهدید سلاح

**گروه حوادث** موتورسواران مسلح که به سوی مأموران پلیس تیراندازی کرده بودند پس از دستگیری به ۲۵ فقره زورگیری اعتراف کردند.

سرهنگ کارآگاه قاسم دستخال رئیس پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ در این باره گفت: مأموران کلاتری ۱۱۴ قلهک هنگام گشت به دو موتورسوار با یک دستگاه موتورسیکلت پلاک مخدوش در محدوده خیابان شریعتی مشکوک شده و به آنان دستور ایست دادند، ولی آنها به سمت مأموران تیراندازی کردند اما مأموران در عملیات تعقیب و گریز متهمان را دستگیر کردند و به پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران معرفی شدند.

در بازجویی‌ها متهمان به ۲۵ فقره زورگیری از شهروندان با استفاده از موتورسیکلت‌های سرقتی اعتراف کردند.

سرهنگ دستخال افروزد، ۲ مهتم سارق سابقه‌دار بوده و چندین مرتبه تحمل کیفر داشته‌اند. تحقیقات پلیسی برای شناسایی مالباختگان و کشف سایر جرایم احتمالی کماکان ادامه دارد.